

مبانی، حدود و مصادیق قرآنی حفظ حریم خصوصی بدنی



<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.504653>

دریافت: ۱۴۰۳-۱۱-۲۴

بازنگری: ۱۴۰۴-۰۳-۱۴

پذیرش: ۱۴۰۴-۰۴-۰۵

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۶-۱۵

مریم السادات سجادی جزئی^۱

امیر احمدنژاد*^۲

مهدی حبیب اللهی^۳

مقاله: پژوهشی

چکیده

با وجود گسترش مطالعات درباره حریم خصوصی و حقوق مربوط در ادبیات اخلاقی و حقوقی، مفهوم «حریم خصوصی بدنی» در چارچوبی قرآنی و با رویکردی تحلیلی همچنان مهجور مانده است. بیشتر پژوهش‌ها یا به جنبه‌های فقهی و حقوقی این مفهوم پرداخته‌اند یا آن را صرفاً در ساحت زیست‌شناختی و مادی تعریف کرده‌اند، در حالی که قرآن کریم برخوردی عمیق‌تر، چندلایه و ارزشی با بدن انسان دارد. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین مفهوم حریم خصوصی بدنی از منظر قرآن با تمرکز بر مبانی سه‌گانه آن است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها با مراجعه به منابع تفسیری، روایی و مطالعات اسلامی در اخلاق گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حریم خصوصی بدنی در قرآن مبتنی بر سه دسته مبانی قابل تحلیل است: (۱) مبانی هستی‌شناختی که بر مالکیت مطلق خداوند بر بدن و نیابت مشروط انسان در تصرف آن تأکید دارد؛ (۲) مبانی انسان‌شناختی که بدن را ظرف ظهور عقل، اراده و کرامت انسانی معرفی می‌کند؛ (۳) مبانی ارزش‌شناختی که مفاهیمی چون عفت، حرمت ایذاء و مسؤلیت فردی را پشتوانه این حق می‌سازد. بنابراین، حریم خصوصی بدنی در گفتمان قرآنی، نه صرفاً یک حق فردی، بلکه بخشی از نظام عبودیت انسان و ساختار اخلاقی جامعه اسلامی تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی بدنی، کرامت انسانی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناسی، مسؤلیت بدنی

استناد به مقاله:

نام خانوادگی، نام. (سال). عنوان. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره (شماره)، ۱-۰۰۰.

Doi: <https://doi.org/>

ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البيت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه زبانهای خارجی، دانشگاه باقر العلوم، قم، ایران.



مقدمه

حریم خصوصی یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی است که در ابعاد مختلف زندگی بشر جلوه‌گر می‌شود؛ از حریم اندیشه و اعتقاد گرفته تا حریم مسکن، ارتباطات، اطلاعات و بدن (رانو، ۲۰۰۰م، ص ۳۶۹؛ مورهم، ۲۰۱۴م، ص ۳۵۲). در این میان، «حریم خصوصی بدنی» یا به بیان دیگر «تمامیت جسمی»^۱، جایگاهی ممتاز دارد؛ چراکه بدن، افزون بر آن‌که ظرف وجود و هستی انسان است، بستر تجربه‌های عبادی، اخلاقی، روانی و اجتماعی او نیز به‌شمار می‌رود (لدر، سوزان، ۲۰۰۴م، ص ۴۴۲). در ادبیات معاصر فلسفه اخلاق، حقوق بشر و اخلاق زیستی^۲، مفاهیمی چون «خودمختاری بدنی»^۳ و «حق بر بدن» از مهم‌ترین ارکان کرامت و آزادی فردی تلقی می‌شوند (اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر، ۲۰۰۵م، بند ۵). این مفاهیم ناظر به حقی اند که انسان در تعیین نوع و حدود تعامل دیگران با بدن خود دارد؛ از جمله نگاه، تماس، درمان، پوشش و ورود به فضای فیزیکی شخصی (کروک و همکاران، ۲۰۰۲م، ص ۷۸).

با وجود این جایگاه برجسته در اندیشه‌های معاصر غربی، در گفتمان دینی، به‌ویژه در سنت اسلامی و منابع قرآنی، این موضوع کمتر مورد بررسی نظام‌مند و مفهومی قرار گرفته است (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۲، ص ۵۷؛ عباسی، خالقی، جودکی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵). حال آن‌که بخش قابل توجهی از آموزه‌های قرآن کریم به تنظیم روابط میان فردی و تعاملات بدنی اختصاص دارد؛ از جمله آیاتی که به حجاب، ورود به خانه‌ها، نگاه، تماس و آزار جسمی پرداخته‌اند (نور: ۲۷-۳۱؛ احزاب: ۵۹؛ حجرات: ۱۱).

بر این اساس، پرسش اساسی این پژوهش آن است که آیا می‌توان از قرآن، به‌مثابه نظامی معنایی و تشریحی، برداشتی روشن از حق انسان نسبت به بدن خود به‌دست آورد؟ به‌ویژه آن‌که برخی از مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در قرآن - همچون کرامت ذاتی انسان (اسراء: ۷۰)، اختیار و هدایت (دهر: ۳)، و ترکیب نفس و بدن (شمس: ۷-۸) می‌توانند مبنای نظری چنین حقی باشند. افزون بر این، نسبت میان فضایل اخلاقی چون حیا و عفاف با اختیار انسان بر بدن خویش، یا جایگاه امر به معروف در تقابل با استقلال بدنی، از جمله چالش‌هایی هستند که بررسی آن‌ها در پرتو مفاهیم قرآنی ضروری می‌نماید. همچنین، تبیین تفاوت میان دخالت‌هایی که مشروع تلقی می‌شوند با مواردی که ناقض حریم خصوصی محسوب می‌گردند، نیازمند بهره‌گیری از قواعد فقهی‌ای چون سلطه بر نفس، نفی ضرر و قاعده ایذاء است.

پژوهش حاضر با هدف ارائه چارچوبی مفهومی برای تبیین حریم خصوصی بدنی در قرآن، به تحلیل سه سطح از مبانی قرآنی این مسئله - یعنی مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و اخلاقی - می‌پردازد. سپس، با بررسی گزینشی آیاتی درباره نگاه، لمس، پوشش، ورود، اجبار رفتاری و آزار جسمی، به تحلیل حدود مشروع تعامل با بدن انسان و جایگاه اختیار فرد در تعیین این حدود خواهد پرداخت. دستاورد نهایی این پژوهش، ارائه مدلی قرآنی از «تعامل اخلاقی با بدن» است که در آن نسبت میان کرامت انسانی، الزام‌های اجتماعی و زیست‌مؤمنانه بر پایه آموزه‌های وحیانی بازسازی می‌شود.

پیشینه پژوهش

مطالعه درباره حریم خصوصی، به‌ویژه در بُعد بدنی آن، در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی گسترش یافته است. این مطالعات را می‌توان به‌طور کلی در دو دسته اصلی تقسیم کرد:

1. physical integrity
2. bioethics
3. bodily autonomy

الف. مطالعات غربی در موضوع حریم خصوصی بدنی

در اندیشه حقوقی و اخلاقی غرب، به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، مفاهیمی چون «خودمختاری بدنی»^۱ و «تمامیت جسمی»^۲ به‌عنوان شاخص‌هایی اساسی از کرامت انسان و آزادی فردی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این چارچوب، حق انسان در تعیین نوع تعامل دیگران با بدن خویش (اعم از نگاه، لمس، درمان، پوشش و ورود به فضای فیزیکی شخصی) مطرح شده است.

برای نمونه، نیکولا مورهم^۳ در مقاله‌ای با عنوان «فراتر از اطلاعات: حریم خصوصی بدنی در حقوق انگلستان» (مورهم، ۲۰۱۴م)، با نقد دیدگاه صرفاً اطلاعات‌محور، بر ضرورت دربرگرفتن ابعاد فیزیکی بدن در مفهوم حریم خصوصی تأکید می‌کند. وی در این زمینه، با تحلیل رویه‌های قضایی و اصول حقوقی انگلستان، تلاش کرده است حریم بدنی را از حریم اطلاعاتی متمایز سازد.

رائو^۴ نیز در مقاله‌ای با عنوان «اشتباه در نام‌گذاری حریم خصوصی» (رائو، ۲۰۰۰م) بر این نکته تأکید دارد که حریم خصوصی باید ناظر به اختیار انسان نسبت به بدن، هویت و تمامیت وجودی او باشد، نه صرفاً به حفاظت از اطلاعات.

از منظر دیگری، لدرر^۵ و سوزان در زمینه طراحی دیجیتال و ارتباط انسان با فناوری، نشان می‌دهند که انتظارات بدنی افراد در خصوص تماس و مشاهده، تأثیر قابل توجهی در تعریف مرزهای حریم خصوصی دارد. به بیان دیگر، ادراک بدنی انسان از فضا و تعامل، درک او از حریم را شکل می‌دهد، نه صرفاً ملاحظات داده‌ای یا اطلاعاتی. (لدرر، سوزان، ۲۰۰۴م)

این مجموعه پژوهش‌ها، بر نقش اساسی ابعاد فیزیکی و عینی حریم خصوصی تأکید دارند و زمینه‌ای مفید برای بازخوانی دینی این موضوع در منابع اسلامی فراهم می‌سازند.

ب. مطالعات اسلامی در موضوع بدن، کرامت و حریم خصوصی

در منابع اسلامی، اگرچه مفاهیمی مانند کرامت انسان، حرمت بدن و حق انسان بر خویشتن در فقه، اخلاق و عرفان اسلامی مورد توجه بوده‌اند، اما اغلب این مفاهیم به‌صورت نظام‌مند و با عنوان صریح «حریم خصوصی بدنی» تحلیل نشده‌اند.

برای مثال، سجاد شهباز قهفرخی در مقاله‌ای با عنوان حریم خصوصی فیزیکی افراد در آئینه فقه امامیه و حقوق ایران، با استناد به منابع فقهی، بر این نکته تأکید می‌کند که گرچه واژه‌ها و ساختار مفهومی غربی در فقه به‌کار نرفته‌اند، اما قواعدی مانند حرمت بدن، منع تعرض و احترام به فضای فیزیکی اشخاص، به‌روشنی در متون فقهی قابل شناسایی‌اند (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۲).

همچنین عباسی، خالقی و جودکی در مقاله‌ای با عنوان حریم خصوصی بیماران و حمایت کیفری از آن در نظام حقوقی ایران، علاوه بر بررسی ابعاد حقوقی حریم بدنی بیماران، به پشتوانه‌های فقهی در این زمینه پرداخته‌اند (عباسی، خالقی، جودکی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، جمشیدی، حسینی و فروزنده در تحلیلی تطبیقی از ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، با مقایسه با حقوق انگلستان، به تبیین مفاهیمی چون تعرض بدنی، ورود غیرمجاز به فضای فیزیکی افراد و استقلال فردی پرداخته‌اند (جمشیدی، حسینی، فروزنده، ۱۴۰۱).

1. bodily autonomy
2. physical integrity
3. Nicolas Moreham.
4. Rao Radhika
5. Lederer

در حوزه مطالعات قرآنی نیز مقاله‌ای از حسین جاویر با عنوان مبانی قرآنی حریم خصوصی مکانی قابل توجه است. وی در این نوشتار، با تحلیل آیات، مشروعیت و حرمت تعرض به فضای خصوصی مکان‌ها را بررسی کرده که در تحلیل دلالت‌های عام و خاص آیات، زمینه‌ساز بررسی مشابه در حوزه حریم بدنی نیز می‌تواند باشد (جاویر، ۱۳۹۸).

همچنین در مقاله‌ای از مینو خاکی، سید مصطفی محقق داماد و مهدی درگاهی با عنوان مبانی قرآنی و قواعد مشروعیت نظارت دستگاه‌های دولتی بر حریم خصوصی، ضمن تبیین قواعدی چون سلطه، اصل عدم ولایت و رعایت مصلحت عمومی، به تحلیل تراحم میان حریم خصوصی و منافع جمعی پرداخته‌اند. این تحلیل در بررسی مشروعیت مداخلات بیرونی در امور مرتبط با بدن نیز قابل استفاده است. (خاکی، محقق، درگاهی، ۱۴۰۲)

در یک رویکرد آینده‌نگر، پژوهش عظیم‌اله نبی‌لو با عنوان آینده مسأله حجاب در ایران نیز گرچه بر موضوع حجاب تمرکز دارد، اما تحلیل روندها و واکنش‌های اجتماعی و حاکمیتی در برابر کنترل‌های اعمال‌شده بر بدن، می‌تواند در درک پیچیدگی‌های مسئله حریم خصوصی بدنی در بستر اجتماعی و سیاسی امروز ایران مؤثر باشد. (نبی‌لو، ۱۴۰۳)

با وجود این مطالعات، آنچه تاکنون کمتر دیده شده، ارائه چارچوبی منسجم و نظام‌مند از منظر قرآنی در خصوص «حریم خصوصی بدنی» است؛ به‌گونه‌ای که این مفهوم به‌مثابه یکی از جلوه‌های کرامت انسانی، اختیار فردی و نظم اخلاقی جامعه اسلامی تبیین شود. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با بهره‌گیری از تحلیل‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و اخلاقی برگرفته از قرآن کریم، این خلأ را پر کرده و الگویی مفهومی از تعامل اخلاقی با بدن انسان در گفتمان قرآنی ارائه دهد.

مبانی نظری

یکی از پیش‌نیازهای تحلیل دقیق حریم خصوصی بدنی، فهم روشن و ساختارمند از خود مفهوم حریم خصوصی و اقسام آن است. از آنجاکه این اصطلاح هم در منابع دینی و فقهی و هم در متون حقوقی، اخلاقی و اجتماعی به‌کار رفته، ابتدا باید به تبارشناسی لغوی و اصطلاحی آن پرداخته، سپس اقسام مختلف حریم خصوصی را بررسی کرده و جایگاه حریم بدنی را در این میان مشخص کنیم.

الف. حریم خصوصی در لغت و اصطلاح

واژه «حریم» از ریشه «حَرَمَ» به معنای ممنوع بودن و مصون ماندن چیزی در برابر تعرض دیگران است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۲۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۷۸). این واژه در کاربردهای مختلف، به‌ویژه در متون دینی، ادبی و فقهی، ناظر به حوزه‌هایی است که ورود به آن‌ها بدون اجازه ممنوع و نوعی حرمت‌شکنی تلقی می‌شود، مانند حریم کعبه یا حریم سلطان. در فقه اسلامی، مفهوم حریم نه تنها بر مکان فیزیکی، بلکه بر جان، مال، آبرو و خانواده نیز اطلاق می‌شود و هر آنچه انسان به‌شکل عرفی یا شرعی از آن حمایت کند، در زمره حریم او قرار می‌گیرد (صدر، ۱۳۷۹، ص ۲۸۵). در زبان فارسی نیز حریم به چیزی گفته می‌شود که مورد غیرت و حمایت شخص واقع می‌شود و تعرض به آن نکوهیده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۸۰۲۴). از سوی دیگر، واژه «خصوصی» در برابر عمومی قرار دارد و به چیزی گفته می‌شود که تنها به یک فرد یا گروه خاص تعلق دارد و از حوزه مداخله یا نظارت دیگران خارج است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۵).

میان این دو واژه، مفهومی ترکیبی پدید آمده است که ناظر به رابطه فرد با دیگران و مرزهای قابل احترام در زندگی شخصی اوست. «حریم خصوصی» بیانگر حوزه‌هایی از حیات فردی است که ورود به آن نیازمند اذن و رضایت شخصی است و این حوزه در

فرهنگ‌ها و نظام‌های حقوقی مختلف، تعاریف و مصادیق گوناگونی دارد. این ترکیب زبانی، ضمن دارا بودن بار حقوقی، اخلاقی و اجتماعی، به‌ویژه در جوامع جدید به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کرامت انسانی شناخته شده است.

در نتیجه، حریم خصوصی مفهومی است ناظر به آن بخش از زندگی فرد که جامعه به‌طور متعارف آن را از دایره اطلاع و دخالت دیگران خارج می‌داند. این حوزه ممکن است شامل مکان، ارتباطات، داده‌ها و بدن انسان باشد و معمولاً به رضایت فرد وابسته است. برخی تعاریف نوین بر ابعاد سیال این مفهوم در جوامع گوناگون تأکید کرده‌اند. برای نمونه، یکی از تعاریف‌های جامع حریم خصوصی چنین است: «بخشی از حیات فرد که نوع افراد یک جامعه مفروض مایل نیستند که دیگران بدون اجازه در آن تصرفی از قبیل لمس، تماس، نگاه، مشاهده، حضور، ورود، دسترسی، توجه، آگاهی، مطالعه، نشر، یا مداخله داشته باشند» (شهریاری، ۱۳۹۹، ص ۶۱). این تعریف نه تنها ابعاد متنوعی همچون هویت، مکان، ارتباطات و فعالیت‌های انسانی را در بر می‌گیرد، بلکه مفاهیمی مانند «جامعه مفروض» و «تمایل شخصی» را نیز در نظر دارد؛ بدین معنا که حدود حریم خصوصی، تابع عرف، فرهنگ و انتظارات اجتماعی در هر جامعه است و همچنین در مواردی که فرد آگاهانه و داوطلبانه اقدام به افشا یا محدودسازی حریم کند، این افشا تحت نظارت قانون و شرع باید انجام گیرد. بنابراین، حریم خصوصی را می‌توان نه فقط مفهومی ایستا، بلکه حوزه‌ای پویا و متغیر در نسبت میان فرد و جامعه دانست که به لحاظ حقوقی، اخلاقی و شرعی نیازمند صیانت است.

ب. اقسام حریم خصوصی و جایگاه حریم بدنی

حریم خصوصی مفهومی چندبُعدی و ترکیبی است که با توجه به حوزه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، به اقسام مختلفی تقسیم شده است. یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج، حریم خصوصی را به سه نوع اصلی تفکیک می‌کند: نخست، حریم خصوصی اطلاعاتی که ناظر به حق فرد در حفظ و کنترل اطلاعات شخصی خویش است، از جمله داده‌های مربوط به سلامت، دارایی، سوابق حقوقی یا اطلاعات دیجیتال (گایسون، ۱۹۸۰م، ص ۴۳۰؛ وستین، ۱۹۶۷م، ص ۱۵۲). دوم، حریم خصوصی ارتباطی یا تصمیم‌گیری که مربوط به آزادی افراد در ایجاد روابط شخصی، مشارکت‌های اجتماعی و اتخاذ تصمیمات خصوصی بدون مداخله دیگران یا نهادهای رسمی است. و سوم، حریم خصوصی فیزیکی یا جسمانی که به کنترل فرد بر فضای فیزیکی و بدنی خویش مربوط می‌شود، از جمله حفظ حریم مکان زندگی، بدن و جلوگیری از تماس یا مشاهده ناخواسته (گایسون، ۱۹۸۰م، ص ۴۳۰؛ وستین، ۱۹۶۷م، ص ۱۵۲).

این اقسام در برخی منابع حقوقی و فقهی داخلی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای مثال، در بررسی‌های فقهی مرتبط با احکام ورود بدون اجازه به منزل، لمس بدن بدون رضایت، یا الزامات آزمایش‌های پزشکی، تفکیک میان فضای فیزیکی، بدن و اطلاعات، به‌عنوان لازمه تحلیل فقهی دقیق مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در شماری از پژوهش‌های حقوق اسلامی معاصر، تقسیم‌بندی‌های مشابهی به کار رفته است؛ برای مثال، در مقاله‌ای، سه شاخه‌ی اصلی حریم خصوصی به شرح زیر معرفی شده‌اند: حریم خصوصی اطلاعاتی، حریم خصوصی فیزیکی و حریم خصوصی روانی و ارتباطی (عباسی، خالقی، جودکی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰).

از سوی دیگر، در منابع مرتبط با اخلاق پزشکی و حقوق سلامت، حریم خصوصی فیزیکی نیز به اقسام جزئی‌تری تفکیک شده است. این اقسام عبارت‌اند از: حریم مکان خصوصی که شامل خانه، اتاق شخصی، محل کار و هر محیطی است که فرد نسبت به آن توقع انزوا یا عدم مداخله دارد؛ حریم تماس بدنی که به ممنوعیت تماس فیزیکی یا ورود به بدن بدون رضایت فرد مربوط است، مانند معاینه پزشکی یا بازرسی فیزیکی؛ حریم بصری که ناظر به ممنوعیت نگاه ناروا یا مشاهده بدن افراد در شرایط خصوصی مانند حین

استحمام یا تعویض لباس است؛ و حریم درونی بدن که مرتبط با اجبار به افشای اطلاعات فیزیولوژیک یا ورود به اعضای داخلی بدن نظیر نمونه برداری، جراحی، یا آزمایش DNA است (وستین، ۱۹۶۷م، ص ۱۹۲).

واژه «خلوت»^۱ در زبان فارسی، در متون لغوی به معنای «تنهایی»، «جای خالی از اغیار» و «فضای دور از نظارت دیگران» آمده است (معین، ۱۳۷۵، ص ۱۴۳۶؛ عمید، ۱۳۶۲، ص ۱۰۳۶). فرهنگ لغت آکسفورد نیز privacy را چنین تعریف می کند: «وضعیتی که در آن فرد تنها باشد یا از مداخله و توجه عمومی آزاد باشد» (فرهنگ آکسفورد، ۱۹۹۷م، ص ۳۵۴). بر این اساس، حریم فیزیکی شامل فضاهایی چون خانه، اتاق خواب، حمام، یا حریم های محافظتی پزشکی است که نقض آن نوعی تعرض به استقلال فیزیکی انسان تلقی می شود.

در این میان، حریم خصوصی بدنی به عنوان بخش برجسته و مهم حریم فیزیکی، ناظر به حق انسان بر بدن خویش است. این حق اقتضا می کند که بدن فرد از هرگونه تعرض فیزیکی، بازجویی جسمانی، آزمایش اجباری، لمس بدون رضایت و تفتیش غیرقانونی مصون بماند. در متون حقوقی، گاه از اصطلاح «تمامیت بدنی»^۲ برای اشاره به این جنبه از حریم خصوصی استفاده شده است. این اصل در حقوق بشر به عنوان یکی از اصول بنیادی مطرح است و تأکید دارد که هیچ فردی نباید بدون رضایت خود در معرض تجاوز، خشونت یا اقدامات پزشکی قرار گیرد. این اصل در اسناد بین المللی مانند میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) نیز مورد توجه قرار گرفته و در حوزه اخلاق پزشکی مدرن جایگاهی اساسی دارد.

در آموزه های اسلامی نیز بدن انسان به عنوان امانتی الهی تلقی می شود که حفظ و صیانت از آن نه تنها وظیفه ای انسانی، بلکه تکلیفی شرعی محسوب می شود. آیه (وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ) (بقره: ۱۹۵) نیز مؤید آن است که حفظ جسم از نابودی واجب شرعی است. فقه اسلامی در مواردی مانند جواز تیمم به جای غسل یا افطار در صورت ضرر، نشان داده است که حفظ جان و سلامت جسم بر برخی عبادات مقدم است.

روش پژوهش

پژوهش فراروی، با بهره گیری از آیات قرآن کریم و آموزه های حدیثی، به روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه ای، به تبیین و تحلیل مبانی حریم خصوصی بدنی در قرآن پرداخته است. در آغاز، مفهوم شناسی اصطلاحاتی چون «حریم خصوصی»، «تمامیت بدنی»^۳ و «حق بر بدن» بر اساس منابع لغوی، حقوقی و فقهی صورت گرفته است. سپس، با تحلیل آیات قرآن و روایات مرتبط، مبانی قرآنی این مفاهیم استخراج شده است. همچنین، در کنار بهره گیری از تفاسیر معتبر و منابع فقه امامیه، از منابع حقوقی و مطالعات معاصر در حوزه اخلاق زیستی نیز استفاده شده است تا جامعیت بحث حفظ گردد. در نهایت با تحلیل آموزه های قرآنی با بهره گیری از تحلیل های هستی شناختی، انسان شناختی و اخلاقی برگرفته از قرآن کریم، الگویی مفهومی از تعامل اخلاقی با بدن انسان در گفتمان قرآنی ارائه دهد.

یافته های پژوهش

در پژوهش حاضر برای تبیین حریم خصوصی بدنی در قرآن، با تحلیل سه سطح از مبانی قرآنی یعنی مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و اخلاقی، چارچوبی مفهومی ارائه می شود که با بررسی گزینشی آیاتی درباره نگاه، لمس، پوشش، ورود، اجبار رفتاری و

1. Privacy
2. bodily integrity
3. bodily integrity

آزار جسمی، حدود مشروع تعامل با بدن انسان و جایگاه اختیار فرد در تعیین این حدود را مشخص می‌کند. سپس مدلی قرآنی از «تعامل اخلاقی با بدن» که در آن نسبت میان کرامت انسانی، الزام‌های اجتماعی و زیست مؤمنانه بر پایه آموزه‌های وحیانی است، ارائه می‌شود. بر طبق مبانی قرآنی، حریم خصوصی بدنی مفهومی است که بر اصول هستی‌شناختی قرآن مبتنی است؛ اصولی که در سه محور اصلی مالکیت مطلق خداوند، اعطای نیابتی اختیار به انسان و مشروط بودن تصرفات به تدبیر الهی استوار هستند. از طرف دیگر بر طبق تحلیل انسان‌شناختی از حریم خصوصی، بدن انسان در قرآن دارای جایگاه است و ویژگی‌هایی از حقیقت انسان، لزوم صیانت از حریم بدنی او را توجیه می‌کند. در این نگرش، تأکید بر خلقت خاص انسان، کرامت ذاتی و فطرت توحیدی، او را مستحق برخورداری از محدوده‌ای امن و غیرقابل تعرض معرفی می‌کند که از جمله مصادیق آن، حریم بدنی است و سه مبنای اصلی انسان‌شناختی حریم بدنی در در سه محور اصلی ترکیب جسم و روح، کرامت ذاتی و بدن به‌مثابه ظرف عقل و اختیار شکل می‌گیرد. در نهایت طبق مبانی ارزش‌شناختی حریم خصوصی بدنی در قرآن که بر اصول بنیادین اخلاقی و شرعی استوار است که صیانت از حریم بدنی را به منزله وظیفه‌ای دینی و انسانی تبیین می‌نماید. این اصول که ریشه در نظام اخلاقی اسلام دارند، بدن انسان را امانتی الهی تلقی کرده و حفظ حریم آن را بخشی لاینفک از رسالت عبودیت معرفی می‌کنند. در این راستا، سه اصل کلیدی عفت و حیا، احترام به حقوق دیگران و امانت‌داری بدنی، نقش محوری در شکل‌دهی به این مبانی ایفا می‌نمایند.

برای ورود به موضوع بحث و در راستای تبیین حریم خصوصی بدنی در قرآن، در سه سطح از مبانی قرآنی، ابتدا به مبانی هستی‌شناختی و در ادامه به سطوح بعدی پرداخته می‌شود.

۱. مبانی هستی‌شناختی حریم خصوصی بدنی در قرآن

مبانی هستی‌شناختی هر نظام معرفتی، ریشه در تلقی آن از خداوند، آفرینش، انسان و رابطه‌ی میان این سه دارد (چر، مسترحمی، غضنفری، ۱۴۰۳، ص ۱۲۳). در گفتمان قرآنی، هستی بر نظامی توحیدی و هدف‌مند استوار است که بر پایه‌ی خالقیت و ربوبیت مطلق الهی شکل گرفته است (یونس: ۳؛ زمر: ۶۲). در این چارچوب، مفاهیمی مانند «حریم خصوصی» و به‌ویژه «حریم بدنی»، تنها در پرتو این نظام هستی‌شناختی معنا می‌یابد. برخلاف دیدگاه‌های سکولاری که حریم بدن را بر مبنای خودمختاری فردی یا قرارداد اجتماعی تبیین می‌کنند (گاوایسون، ۱۹۸۰م، ص ۴۳۳؛ وستین، ۱۹۶۷م، ص ۱۶۸)، قرآن ریشه‌ی این حق را در نسبت انسان با خداوند و ساختار غایی هستی جست‌وجو می‌کند.

در نگرش اسلامی، حریم خصوصی بدنی نه یک قرارداد انسانی یا توافق اجتماعی، بلکه مفهومی است که بر اصول هستی‌شناختی قرآن مبتنی است؛ اصولی که در سه محور اصلی قابل بررسی اند: مالکیت مطلق خداوند، اعطای نیابتی اختیار به انسان و مشروط بودن تصرفات به تدبیر الهی.

۱-۱. مالکیت مطلق الهی بر هستی و بدن انسان

نخستین بنیان هستی‌شناختی حریم خصوصی بدنی در قرآن، مالکیت مطلق خداوند بر کل هستی است. این اصل، منشأ هرگونه حق، قلمرو و حریم در جهان آفرینش به‌شمار می‌رود. در آیه «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ...» (مائده: ۱۲۰) تأکید شده که همه‌چیز از آن خداوند است و مشروعیت هرگونه تصرف، تنها در صورت اذن او ممکن است. علامه طباطبایی نیز در تفسیر این آیه، حاکمیت کامل خداوند را بر همه‌ی موجودات از جمله بدن انسان مؤکد دانسته و تصرف در آن را منوط به اجازه الهی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۵۳).

آیهی «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ... وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (انعام: ۱۰۲) نیز گویای آن است که خداوند، نه تنها خالق بلکه مدبّر همه‌ی هستی است. فخر رازی در تفسیر این آیه تصریح می‌کند که ربوبیت الهی، مانع از هرگونه استقلال در موجودات، از جمله انسان، می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۹۴). بنابراین، بدن انسان نیز از آن خداست و حتی تصرف فرد در بدن خویش، بدون مجوز شرعی، به منزله‌ی تعدّی به ملک الهی تلقی می‌شود.

ابن عاشور نیز در تفسیر آیه «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (بقره: ۲۵۵) به گستره‌ی مالکیت خداوند بر هر موجودی اشاره کرده و نتیجه می‌گیرد که اندام انسان نیز از مصادیق ملک الهی اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۹۵) بر این اساس، نمی‌توان بدن را قلمروی خصوصی صرفاً بشری دانست، بلکه باید آن را در چارچوب حاکمیت خداوند درک کرد.

۲-۱. اعطای نیابتی حریم به انسان از سوی خداوند

در عین حال، قرآن جایگاه انسان را به‌عنوان «خلیفه» و «امین» الهی معرفی می‌کند: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ... وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب: ۷۲). این دو آیه، انسان را مأمور و امانت‌دار خداوند معرفی می‌کنند که در برخی حوزه‌ها، از جمله بدن خود، اختیارات محدودی به نیابت از خداوند دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۵). همچنین، در آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ... فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ» (یس: ۷۱) نوعی مالکیت اعتباری برای انسان ترسیم شده است که در مقابل مالکیت حقیقی خداوند قرار دارد. این مالکیت امانی، نه تنها با اختیار بلکه با مسئولیت همراه است: مسئولیت حفاظت، بهره‌برداری مشروع و مراقبت از بدن به‌عنوان امانت الهی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۴۴۸).

۳-۱. مشروط بودن تصرفات به تدبیر و اذن الهی

سومین بُعد از مبانی هستی‌شناختی حریم خصوصی بدنی، مشروط بودن هر نوع تصرف در بدن به اذن و تدبیر خداوند است. حتی نیابت انسان نیز در این چارچوب، مطلق و بی‌قید نیست. آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (بقره: ۲۵۵) صراحتاً تأکید می‌کند که حتی شفاعت، که نوعی تصرف معنوی در نظام خلقت است، تنها با اذن الهی ممکن می‌گردد.

همچنین آیه استیناس که ناظر به لزوم اجازه برای ورود به خانه‌های دیگران است (نور: ۲۷)، نشان می‌دهد که حریم خصوصی مکانی و بدنی انسان‌ها، از حاکمیت شرعی الهی سرچشمه می‌گیرد. (سجادی، احمدنژاد، حبیب‌اللهی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۵). در همین راستا، آیه «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ... مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ» (یونس: ۳) نیز بر حاکمیت مطلق خداوند بر تدبیر امور، از جمله بدن و مرزهای آن، تأکید دارد. از این منظر، هرگونه تصرف در بدن، حتی اگر از سوی خود فرد باشد، نیازمند مشروعیت شرعی و الهی است.

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی بر این معنا تصریح می‌کند که در جهان‌بینی توحیدی، حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها، تابع حقوق خداوند است؛ زیرا او مالک حقیقی انسان و جسم اوست (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۲، صص ۹۵-۹۶). بر این اساس، مفاهیمی چون رضایت شخصی و خودمختاری، تنها در محدوده‌ای مشروعیت دارند که با قوانین الهی تعارضی نداشته باشند.

از منظر قرآن، بدن انسان امانتی الهی است و اعضا و جوارح آن، افزون بر نقش ابزاری در حیات دنیوی، در آخرت نیز مورد بازخواست قرار می‌گیرند. چنان‌که در آیه «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْأَفْئَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶) آمده، همه حواس و قوای درونی، مسئول اعمال خود خواهند بود. این مسئولیت‌پذیری نشان می‌دهد که انسان مجاز نیست از بدن خود در مسیرهای ناروا بهره‌برد.

این معنا در سخن پیامبر اسلام (ص) نیز تأیید شده است: «عَبْدُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَزْوَاجِهِ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۵۳). در این روایت، صرف عمر و فرسایش بدن یکی از مهم ترین موارد بازخواست روز قیامت معرفی شده است. همچنین، آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر: ۸) نشان می دهد که سلامتی، توان جسمی و بدن انسان از جمله نعمت هایی اند که انسان در برابرشان مسئول است.

از آنجا که بدن انسان در نگاه قرآنی و فقهی امانتی الهی تلقی می شود، حتی رضایت فرد نیز نمی تواند توجیه گر هر نوع تصرف یا آسیب در آن باشد. این محدودیت در مواردی مانند عفو جانی پیش از مرگ نیز مشهود است، جایی که فقیهان درباره حدود اختیار مجنی علیه در صورت نظر از حق خود مناقشه کرده اند (مرادی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۲).

۲. مبانی انسان شناختی حریم خصوصی بدنی در قرآن

تحلیل انسان شناختی حریم خصوصی در پی پاسخ به این پرسش است که بدن انسان در قرآن چه جایگاهی دارد و چه ویژگی هایی از حقیقت انسان، لزوم صیانت از حریم بدنی او را توجیه می کند. در گفتمان قرآنی، انسان صرفاً موجودی مادی یا اجتماعی نیست، بلکه آفرینشی دوساحتی دارد که جسم و روح را در ترکیبی یگانه درهم آمیخته است. این ترکیب، افزون بر ویژگی های زیستی، واجد ابعاد عقلانی، اخلاقی و معنوی است که او را به مقام خلیفه الهی و مسئولیت پذیری می رساند. از این رو، بدن در قرآن نه فقط کالبدی فیزیولوژیک، بلکه ظرف تحقق عقل، اراده، ایمان و عرصه آزمایش الهی است.

در این نگرش، تأکید بر خلقت خاص انسان، کرامت ذاتی و فطرت توحیدی، او را مستحق برخورداری از محدوده ای امن و غیرقابل تعرض معرفی می کند که از جمله مصادیق آن، حریم بدنی است. در ادامه، سه مبنای اصلی انسان شناختی حریم بدنی در قرآن بررسی می شود: (۱) ترکیب جسم و روح، (۲) کرامت ذاتی و (۳) بدن به مثابه ظرف عقل و اختیار.

۱-۲. ترکیب جسم و روح در انسان

در نظام انسان شناختی قرآن، انسان موجودی دو بُعدی است که از روح و جسم ترکیب یافته و حقیقت او در هیچ یک از این دو به تنهایی منحصر نمی شود. این ترکیب، وحدت وجودی انسان را پدید می آورد؛ به گونه ای که اعمال جسمانی هم از روح تأثیر می پذیرند و هم بر آن اثر می گذارند. قرآن با تعبیراتی همچون «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده: ۹) به دمیدن روح الهی در کالبد خاکی اشاره دارد. خلقت جسمانی انسان در آیات متعددی با تعبیراتی مانند «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ» (روم: ۲۰) و «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (رحمن: ۱۴) آمده است؛ اما این خلقت، تنها پس از دمیدن روح الهی شأن انسانی می یابد.

این ترکیب، بدن را بستری برای آزمایش الهی قرار می دهد. آیه «خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲) نشان می دهد که بدن، عرصه تحقق اعمال انسانی است. همچنین روایت «إِنَّ لِيَجْسَدَكَ عَلَيْنِكَ حَقًّا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۲۸) بر ضرورت حفظ سلامت جسمانی تأکید دارد. از منظر آموزه های قرآنی و تفسیرهای معنوی، بدن و روح انسان امانتی الهی اند که به صورت موقت در اختیار او قرار گرفته اند. در یکی از تفاسیر معاصر، تعلق روح به بدن در آغاز، به منزله موهبتی الهی و مرحله ای از سیر تکاملی نفس دانسته شده و بیان شده است که «روح نفخه و موهبت الهی است» که برای پیمودن مسیر رشد، نیازمند قوای بدنی همچون شنوایی و بینایی است، اما در پایان عمر، این تعلق قطع می شود و روح به سوی استقلال و عالم برزخ بازمی گردد، «ناگزیر باید علاقه به بدن خود را خواه ناخواه رها نماید» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، صص ۴۲۶-۴۲۷). در همین راستا، در تفسیر دیگری نیز تصریح شده است که روح انسان «امانتی عظیم و ملکوتی» است که از عالم امر الهی در بدن او دمیده شده و تنها انسان ناآگاه و ظالم، قدر این

امانت را نمی‌داند و آن را «اسیر قوای نفسانی» می‌سازد (امین، بی‌تا)، ج ۱۰، صص ۲۶۳-۲۶۴). این نگاه، بنیاد نگرش دینی به بدن را در قداست و امانت بودن آن نزد خداوند تبیین می‌کند.

از منظر حریم خصوصی بدنی، این مبنا توجیه‌گر احکامی همچون حرمت قتل نفس «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (مائده: ۳۲) و مشروعیت قصاص «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» (بقره: ۱۷۹) است. همچنین آیه «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ» (نساء: ۹۳) تعرض به بدن را گناهی بزرگ می‌شمارد. احکام فقهی مانند لزوم رعایت حریم در معاینات پزشکی، یا نهی از افشای عیوب جسمانی، نیز ریشه در همین ساختار ترکیبی دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۶۷).

بر اساس این مبنا، انسان نه تنها مأمور به بهره‌گیری مشروع از بدن خویش است، بلکه باید آن را حفظ کرده و در راستای اهداف الهی به کار گیرد. هرگونه آسیب به بدن، چه از سوی دیگران و چه توسط خود شخص، نقض تعادل روح و بدن و اختلال در رسالت انسانی به‌شمار می‌رود. این ساختار دوگانه، پایه بسیاری از احکام فقهی مرتبط با حرمت مثله، خودکشی، یا تعرض به بدن دیگران است که همگی در مبانی انسان‌شناختی قرآن ریشه دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۱؛ ذاکر، مسترحمی، غضنفری، ۱۴۰۳، ص ۱۲۸).

۲-۲. کرامت ذاتی انسان؛ بنیاد حریم خصوصی بدنی

در منظومه انسان‌شناسی قرآن، کرامت ذاتی انسان یکی از اصول بنیادین به شمار می‌رود و نقش کلیدی در تثبیت حق انسان بر حریم خصوصی، به‌ویژه در بُعد بدنی آن ایفا می‌کند. برخلاف برخی رویکردهای مدرن که کرامت را مفهومی قراردادی یا حقوقی می‌دانند، قرآن آن را امری فطری و موهبت الهی تلقی می‌کند که به همه انسان‌ها، صرف‌نظر از جنس، نژاد یا موقعیت اجتماعی، اعطا شده است. آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) بر این ویژگی ذاتی تأکید دارد و آن را مبنای شایستگی انسان برای احترام می‌داند. همچنین آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴) ضمن اشاره به ساختار روحی و جسمی انسان، از کمال وجودی او سخن می‌گوید. «علامه طباطبایی، قوام نیکوی انسان را نشانه بر خورداری او از ظرفیت فطری برای عروج به مراتب عالی قرب الهی و نیل به حیات جاودان سعادت‌مندانه می‌داند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۳۱۹). راغب اصفهانی نیز در تعریف «کرامت»، آن را به معنای عزت ذاتی تفسیر می‌کند و تأکید دارد که هرگونه تعرض به این کرامت، در تعارض با حکمت خلقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۷۰۷).

آیات مربوط به دمیدن روح، نظیر «إِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (ص: ۷۲) و «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹)، دلالت بر جنبه قدسی بدن دارند. آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیات، تعبیر «روحی» را دلیلی بر شرافت روح انسانی می‌داند و تصریح می‌کند که همین تعبیر، مبنای احترام به بدن است؛ به‌گونه‌ای که تعرض به آن، بدون مجوز عقل و شرع، جایز نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۳۳۷).

علاوه بر این، برخی آیات بر ضرورت پوشش و حجاب، به‌عنوان وجهی از صیانت حریم بدنی، تأکید دارند. آیه «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱) و نیز داستان آدم و حوا در آیه «فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا» (اعراف: ۲۲) نشان می‌دهد که پوشاندن بدن امری فطری و برخاسته از آگاهی درونی انسان است. همچنین، آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» (نور: ۳۰) با تأکید بر کنترل نگاه و خویش‌داری در برابر تحریکات بیرونی، به روشنی نشان می‌دهد که نگاه غیرمجاز، آغازگر ورود به حریم خصوصی بدنی دیگران است و از این رو، صیانت از این حریم نیازمند رعایت مرزهای بینایی و رفتاری است (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰).

تأمل در آیه «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲) نیز مؤید همین معناست. سید قطب در تفسیر این آیه، تجسس را مصداقی از توهین به کرامت انسانی می‌داند و آن را رفتاری می‌خواند که حرمت انسان را مخدوش می‌سازد (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۳۴۶). شیخ طوسی نیز با تکیه بر همین آیه، اصل حفظ حیثیت و آبروی افراد را یکی از مبانی اجتماعی اسلام معرفی می‌کند (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۲۰۵). افزون بر این، آیات «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ» (نور: ۴) و «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ» (نور: ۱۹) بر ضرورت صیانت از آبروی انسان‌ها و منع اشاعه فحشا تأکید دارند که همگی در زمره مصادیق حریم بدنی تلقی می‌شوند.

در منابع روایی، توجه به حق بدن و ضرورت مراقبت متعادل از آن مورد تأکید قرار گرفته است. در بیانی از امام رضا (ع)، بدن انسان به زمین حاصل خیزی تشبیه شده است که در صورت آبیاری و مراقبت متوازن، شکوفا و پر بار می‌شود، اما در صورت بی‌توجهی، تباه می‌گردد و گیاهان هرز در آن می‌روید. امام می‌فرماید: «بدان! بدن همچون زمینی مستعد و ویران است که اگر به موقع و به اندازه آباد و سیراب شود، خرّمی اش دوام می‌یابد، محصولش زیاد و رویشش پاکیزه می‌شود؛ اما اگر رها گردد، تباه می‌شود و گیاه هرز در آن می‌روید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۹، ص ۳۱۰). این روایت، مدیریت بدن و تعادل در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را از عوامل سلامت و دوام عافیت می‌شمارد و توجه به بدن را بخشی از وظایف دینی و عقلی انسان می‌داند.

بنابراین، می‌توان گفت که کرامت ذاتی انسان در نگرش قرآنی، نه تنها پایه نظری حریم خصوصی بدنی است، بلکه این حریم را به سپری مقدس تبدیل می‌کند؛ سپری برای صیانت از ارزش الهی و انسانی بدن در برابر هرگونه تعرض و تجاوز.

۲-۳. بدن به مثابه ظرف عقل و اختیار

در نگرش قرآن، بدن انسان صرفاً یک ساختار مادی یا سازوکار مکانیکی نیست، بلکه جایگاه بروز ویژگی‌هایی چون عقل، اراده، ایمان و کنش اخلاقی است. بسیاری از وظایف الهی که بر دوش انسان نهاده شده‌اند، جز از مسیر بدن و قوای آن امکان تحقق ندارند. به این ترتیب، بدن نه تنها ابزاری برای زیست طبیعی، بلکه رسانه‌ای برای تجلی روح و مسیر تحقق بندگی است.

آیه «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶) بیان‌گر مسئولیت‌پذیری اندام‌های انسانی است. آیات دیگری همچون «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ» (نور: ۲۴) و «الْيَوْمَ نَحْتُمُ عَلَىٰ أَقْوَاهِمُ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ» (یس: ۶۵) نیز تأکید دارند که اعضای بدن در اعمال اختیاری انسان نقشی فعال دارند و در روز حساب به‌عنوان شاهدان رفتار آدمی سخن خواهند گفت. افزون بر این، آیه «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ» (تکویر: ۱۴) مسئولیت شخص در قبال بدن را مورد تأیید قرار می‌دهد. بر پایه این آیات، بدن نه فقط ابزار کنش که بخشی از هویت اخلاقی و الهی انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۰).

افزون بر این، قرآن در آیات «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶) و «فَلَذَكَّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (غاشیه: ۲۱-۲۲) اصل اختیار و آزادی انسان را یادآور می‌شود؛ اختیاری که تجلی آن نیازمند بستر بدنی سالم و مستقل است. فطرت الهی که در آیه «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) معرفی شده، زمینه‌ای برای گرایش به حریم‌سازی و حفظ حیثیت در وجود انسان فراهم می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی این فطرت را مبنای گرایش ذاتی به حریم خصوصی دانسته است (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۶۴، ص ۴۶۱) و فخر رازی در تفسیر آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶) تصریح می‌کند که این اصل، انسان را از اجبار بیرونی در انتخاب دین و اندیشه مصون می‌دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۶).

روایتی از پیامبر اکرم (ص) به روشنی بر مسئولیت‌پذیری اعضای بدن در رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی تأکید می‌کند: «إِنَّ الْعَيْنَ لَتَرْنِي وَإِنَّ اللِّسَانَ لَيُرْنِي وَإِنَّ الْقَلْبَ لَيُرْنِي وَإِنَّ الْيَدَ لَتَرْنِي وَإِنَّ الرَّجْلَ لَتَرْنِي وَتُصَدِّقُ ذَلِكَ كُلَّهُ وَتُكَذِّبُهُ الْفَرْجُ» (نوری، ۱۴۰۸ق،

ج ۱۴، ص ۳۶۱). این روایت نشان می‌دهد که بدن انسانی در فرآیند ارتکاب گناه یا انجام فضیلت، نقشی فعال و اخلاق‌محور دارد و در نتیجه، نه فقط از منظر فقهی، بلکه از دیدگاهی وجودی و ارزشی نیز برخوردار از مسئولیت است. از این رو، احکامی همچون حرمت نگاه ناروا (نور: ۳۰-۳۱)، نهی از تجسس (حجرات: ۱۲) و رعایت حدود در معاینات پزشکی (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۱۲) ناظر به همین نقش اخلاقی بدن‌اند. همچنین، آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا» (نور: ۲۷) بر صیانت از حریم جسمانی و فضای زیست خصوصی افراد تأکید دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۰).

از نگاه قرآن، صیانت از بدن تنها به معنای حفظ سلامت فیزیکی نیست؛ بلکه معنایی وسیع‌تر دارد که شامل فراهم آوردن زمینه‌های شکوفایی عقل، اراده و ایمان است. بدن انسان، حریمی الهی است که در آن، بذر عقلانیت و مسئولیت‌پذیری کاشته شده و مراقبت از آن، از منظر دینی، وظیفه‌ای بنیادین به شمار می‌رود. هرگونه تعرض به این حریم، در حکم تعرض به آزادی معنوی و اخلاقی انسان تلقی می‌شود و دفاع از آن، وجهی شرعی و اخلاقی پیدا می‌کند.

۴-۲. جمع‌بندی: حریم بدنی و حدود الهی

مبانی انسان‌شناختی حریم خصوصی بدنی در قرآن، همچون ترکیب روح و جسم، کرامت ذاتی و بدن به مثابه ظرف عقل و اختیار، نشان می‌دهند که بدن انسان در نگرش قرآنی برخوردار از حریمی مقدس است. این تقدس، برخاسته از منشأ آفرینش الهی بدن (سجده: ۹؛ حجر: ۲۹)، برخورداری از کرامت فطری (اسراء: ۷۰؛ تین: ۴)، و برخورداری انسان از اراده و آزادی در انتخاب (بقره: ۲۵۶؛ روم: ۳۰) است. بر اساس این مبانی، حفظ حریم بدن تنها در جهت محافظت از سلامت فیزیکی یا حیثیت اجتماعی نیست، بلکه زمینه‌ساز تجلی رسالت الهی انسان و بروز عقلانیت، اراده و ایمان اوست.

با این حال، قرآن کریم روشن می‌سازد که صیانت از حریم بدنی، همچون سایر آزادی‌های فردی، در چارچوب حدود الهی معنا می‌یابد. برای نمونه، آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ» (نور: ۱۹) بیانگر آن است که هرگونه اقدام یا آزادی که به گسترش بی‌عفتی در جامعه بینجامد، ممکن است مشمول محدودیت‌های شرعی شود. از این رو، آزادی‌های مرتبط با بدن نیز، در مواردی که با نظم عمومی یا اخلاق اجتماعی تعارض پیدا کند، می‌تواند مشمول ضوابط و ویژه شرعی قرار گیرد. بر همین اساس، آیت‌الله مکارم شیرازی یادآور می‌شود که احکام شرعی‌ای همچون لزوم پوشش، یا نهی از تجسس، در راستای حفظ تعادل میان آزادی فردی و منافع عمومی در جامعه اسلامی تشریح شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۴۰۴).

از این منظر، هرگونه ورود و مداخله در حریم بدنی افراد، چه از سوی نهادهای اجتماعی و چه از سوی قانون، باید مستند به معیارهای شرعی و اخلاقی باشد؛ تا نه تنها به کرامت و اختیار انسان لطمه‌ای وارد نکند، بلکه در جهت تقویت آن گام بردارد. این مبانی انسان‌شناختی و دینی، چارچوب نظری لازم برای بررسی دقیق‌تر احکام فقهی، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و الزامات قانونی مرتبط با حریم بدن را در بخش‌های بعدی مقاله فراهم می‌آورند.

۳. مبانی ارزش‌شناختی (اخلاقی) حریم خصوصی بدنی در قرآن

مبانی ارزش‌شناختی حریم خصوصی بدنی در قرآن بر اصول بنیادین اخلاقی و شرعی استوار است که صیانت از حریم بدنی را به منزله وظیفه‌ای دینی و انسانی تبیین می‌نماید. این اصول که ریشه در نظام اخلاقی اسلام دارند، بدن انسان را امانتی الهی تلقی کرده و حفظ حریم آن را بخشی لاینفک از رسالت عبودیت معرفی می‌کنند. در این راستا، سه اصل کلیدی عفت و حیا، احترام به حقوق دیگران و امانت‌داری بدنی، نقش محوری در شکل‌دهی به این مبانی ایفا می‌نمایند.

۳-۱. عفت و حیا به مثابه ارزش‌های بنیادین

عفت و حیا در منظومه ارزشی قرآن، از مهم‌ترین اصول اخلاقی در صیانت از حریم بدنی به‌شمار می‌آیند. آیات «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» (نور: ۳۰) و «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور: ۳۱) با تأکید بر کنترل نگاه و حفظ پوشش، ضرورت رعایت مرزهای رفتاری برای پاسداری عفت را یادآور می‌شوند. این آیات، نگاه غیرمجاز و افشای اندام جنسی را از مصادیق بارز نقض حریم بدنی می‌دانند و عفت را سدی استوار برای حفاظت از کرامت و حیثیت انسان معرفی می‌کنند. مطالعات تفسیری، این آیات را پشتوانه‌ای برای تأمین سلامت اخلاقی و حفظ حرمت انسان در جامعه دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۲). در نگاهی فقهی نیز، ممنوعیت تبرج و حرمت خودنمایی زنان از بارزترین جلوه‌های مداخله شریعت در تنظیم حدود حریم پوشش به‌شمار می‌آید؛ فقیهان امامی این مداخلات را مبتنی بر هدفی فراتر از صیانت فردی دانسته و آن را ابزار دفاع از حریم اخلاقی جامعه تفسیر کرده‌اند (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۲، ص ۶۱).

در همین راستا، آیه «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱) نیز به پوشش مناسب در محیط‌های عبادی و اجتماعی توصیه کرده و آن را تجلی حیا و ادب در تعامل با فضای عمومی می‌داند.

پژوهش‌های روان‌شناختی و اخلاقی، حیا را گزینه‌ای فطری قلمداد کرده‌اند که انسان را به محافظت از حریم بدنی و روانی خویش سوق می‌دهد (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۹، ص ۴۲۵). این ارزش بنیادین در آموزه‌های نبوی نیز حضوری برجسته دارد؛ چنان‌که رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۶). بر این اساس، حیا نه تنها فضیلتی فردی، بلکه مبنایی شرعی و اخلاقی برای احکامی چون لزوم پوشش، نهی از افشای عیوب جسمانی و رعایت حریم تعاملات انسانی به‌شمار می‌آید؛ چنان‌که پژوهش‌های معاصر نیز حیا را عنصری بنیادین در شکل‌دهی به سبک زندگی اسلامی دانسته‌اند (محمدخانی، ۱۴۰۳، ص ۱۳۴).

۳-۲. احترام به حقوق دیگران و حرمت ایداء

احترام به حقوق دیگران، از جمله حریم بدنی آنان، یکی از اصول اخلاقی بنیادین در نظام ارزشی قرآن محسوب می‌شود. آیه کریمه «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا» (حجرات: ۱۲) هرگونه تجسس و غیبت را به‌عنوان مصادیق بارز تعرض به حریم دیگران ممنوع اعلام می‌نماید. این فرمان قرآنی، در کنار نواهی دیگر، بیانگر صیانت الهی از حرمت فردی انسان‌ها و لزوم حفظ کرامت آن‌ها در روابط اجتماعی است. مطالعات تفسیری این آیه را مبنایی برای پاسداری حرمت و حیثیت افراد دانسته و تأکید می‌کنند که نقض حریم دیگران، در حقیقت، نقض کرامت الهی آنان تلقی می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۵۰).

اهمیت این اصل تا بدان‌جاست که حتی ورود به فضای خصوصی دیگران، تنها در صورت کسب اجازه و رعایت اصول اخلاقی مشروع دانسته شده است. آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا...» (نور: ۲۷) با صراحت بر لزوم رعایت حریم جسمانی و محیطی افراد تأکید دارد. تحقیقات مرتبط با شأن نزول این آیه، آن را مستقیماً ناظر به موارد نقض حریم خصوصی اشخاص معرفی کرده‌اند و واژه «تسأئسوا» را حاکی از کسب اجازه‌ای همراه با تحیت، لطف، آشنایی و صداقت دانسته‌اند؛ که این خود بیانگر ضرورت رفتاری مؤدبانه، همراه با احترام و آگاهی، حتی پیش از ورود به حریم دیگران است (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۲، ص ۶۳).

اصل احترام به حریم دیگران در سنت نبوی نیز با تأکید فراوان بیان شده است. از جمله مفاهیمی که این اصل را تقویت می‌کند، حرمت «ایذاء» یا آزار رساندن به دیگران است، چه در قالب گفتار و چه در رفتار. در روایت شریف از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «مَنْ أَدَى مُؤْمِنًا وَ لَوْ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَيْسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ...» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۱) که نشان‌دهنده شدت مذمت آزار مؤمن، حتی با کلمه‌ای اندک است. بررسی‌های فقهی، ایذاء را عنوانی عرفی دانسته‌اند که شامل هرگونه رفتاری می‌شود که موجب اذیت و آزار فرد گردد و مورد کراهت او باشد (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

بر این اساس، هرگونه تعرض به بدن، از جمله تحقیر، افشای عیوب جسمانی، یا هر رفتار ناروا که باعث آزار و اذیت روانی یا جسمی فرد شود، از منظر اخلاق قرآنی و سنت اسلامی مردود شمرده می‌شود. از همین رو، مطالعات تفسیری، آیات مرتبط با نهی از تجسس و غیبت را نه صرفاً توصیه‌هایی اخلاقی، بلکه نشانه‌هایی روشن از نظام اخلاقی منسجم اسلام برای صیانت از حریم خصوصی و حرمت انسانی معرفی کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲۲، ص ۱۸۱).

۳-۳. امانت‌داری بدنی

قرآن کریم بدن انسان را امانتی الهی معرفی می‌نماید که حفظ و صیانت از آن، نه تنها وظیفه‌ای شرعی، بلکه مسئولیتی اخلاقی و انسان‌شناختی به شمار می‌آید. آیه مبارکه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب: ۷۲)، بار امانت را بر دوش انسان نهاده و او را مسئول این ودیعه الهی دانسته است. در تفاسیر قرآنی، بدن به‌عنوان بخشی از این امانت تلقی شده و حفظ سلامت و حرمت آن، نمودی از پذیرش آگاهانه این تعهد سنگین معرفی گردیده است. برخی تحقیقات علمی و تفسیری نیز بر این نکته تأکید دارند که این امانت الهی، هم بُعد جسمانی و هم بُعد روحانی انسان را دربرمی‌گیرد و هرگونه تعدی به بدن - اعم از آسیب به خود یا به دیگران - نوعی خیانت به امانت تلقی می‌شود (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۶۶، ص ۲۳۲).

اصل امانت‌داری بدنی در سنت معصومان (علیهم‌السلام) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. روایت مشهور: «إِنَّ لِحَسَبِكَ عَلِيَّكَ حَقًّا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۱۲۸) بر این نکته دلالت دارد که انسان موظف است نه تنها نسبت به روح و جان خویش، بلکه نسبت به جسم خود نیز مسئولانه رفتار نماید. این روایت، مبنای فقهی و اخلاقی مهمی برای تبیین حرمت هرگونه خودآزاری (مانند خودکشی)، اضرار به نفس و حتی تعرض به بدن دیگران (نظیر ضرب، جرح یا قتل) فراهم آورده است. بر این اساس، فقه اسلامی در پرتو اصل امانت‌داری، بدن را منطقه‌ای دارای قداست و مسئولیت قلمداد می‌نماید.

علامه طباطبایی در ذیل آیه «تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ» (یس: ۶۵)، با تحلیل نقش اعضای بدن در شهادت روز قیامت، بدن انسان را دارای نوعی شعور و ادراک دانسته و تأکید می‌کند که هر عضوی به آنچه با آن انجام شده، گواهی می‌دهد. از نگاه وی، این شهادت حقیقی نه تنها مسئولیت اخلاقی انسان را نسبت به اعمال، بلکه به‌طور ضمنی جایگاه و شأن بدن را نیز نشان می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۸).

۴. حدود حریم بدنی در قرآن

در نگاه قرآن، حریم بدنی از جایگاهی مقدس برخوردار است و به‌طور جدی مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ با این حال، این حمایت مطلق و بی‌قید نیست، بلکه در چارچوب حدود و ضوابط الهی تعریف شده است. این حدود، توازنی هوشمندانه میان آزادی فردی و مصالح اجتماعی برقرار می‌سازند و در عین صیانت از حرمت بدن، شرایط مشروعیت یا عدم مشروعیت مداخله در آن را نیز روشن می‌کنند.

۴-۱. احکام پوشش و حفظ عفت

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که قرآن برای صیانت از حریم بدنی و پاسداشت عفت عمومی معرفی کرده، احکام مربوط به پوشش است. آیهی «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱) به صراحت بر ضرورت پوشش مناسب برای زنان تأکید می‌ورزد، در حالی که آیهی «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا» (نور: ۶۰) برای زنان سالخورده که امید ازدواج ندارند، استثنائاتی قائل می‌شود. بر این اساس، حیا و پوشش نه تنها فضیلتی فردی بلکه پایه‌ای شرعی برای احکامی چون لزوم پوشش، نهی از افشای عیوب جسمانی و رعایت حریم تعاملات انسانی است. در تفسیر آیه «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (احزاب: ۵۹)، علامه طباطبایی بیان می‌دارد که پوشش زنان موجب شناخته شدن آنان به عنوان اهل صلاح و عفت شده و از آزار اهل فسق جلوگیری می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

با این حال، اجرای احکام شریعت زمانی معنا و اثر واقعی دارد که مبتنی بر آگاهی، اختیار و پذیرش درونی باشد. فخر رازی در تفسیر آیهی «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶)، به صراحت تأکید می‌کند که دین‌ورزی بر اساس اجبار و قهر پایه‌گذاری نشده، بلکه بر توان انتخاب و اختیار انسان استوار است. او با استناد به تفسیر قفال و ابی مسلم، این اصل را چنین توضیح می‌دهد که پس از آنکه خداوند دلایل توحید را به روشنی تبیین کرد، دیگر جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای کفر باقی نمی‌ماند، مگر اینکه ایمان از سر اجبار و قسر باشد و این امر در دنیایی که دار امتحان و ابتلاست، روا نیست. زیرا در قهر و اکراه بر دین، معنای امتحان باطل می‌گردد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۱۲). بر همین اساس، هیچ‌گونه مداخله اجباری در حریم بدنی حتی اگر به بهانه‌ای اجرای احکام دینی باشد، وجهی ندارد، مگر آن‌که ضرورتی روشن از منظر شرع بر آن مترتب باشد و در عین حال، حرمت و شأن انسانی افراد کاملاً رعایت شود.

۴-۲. نهی از تعرض و حفظ حریم در برابر دیگران

قرآن کریم با بیانی رسا و هشدارآمیز، حرمت جان انسان بی‌گناه را در شمار بنیادی‌ترین ارزش‌های انسانی قرار داده است. آیه «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده: ۳۲)، بر این معنا دلالت دارد که تعرض به جان یک انسان بی‌گناه، به منزله تعدی به کل جامعه انسانی است. بر اساس تفسیر مکارم شیرازی، این آیه «یک حقیقت اجتماعی و تربیتی» را بازگو می‌کند و از پیوند ساختاری اعضای جامعه بشری پرده برمی‌دارد؛ چنان‌که جامعه انسانی را همچون پیکری واحد می‌بیند که «هر لطمه‌ای به عضوی از اعضای این پیکر برسد، اثر آن کم‌وبیش در سایر اعضا آشکار می‌گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۵۶).

بدین ترتیب، نه تنها قتل یک انسان، بلکه هرگونه تعرض بدنی به فرد بی‌گناه، اقدامی ضدانسانی با پیامدهای اجتماعی و اخلاقی تلقی می‌شود. افزون بر این، تفسیر نمونه در ادامه با استناد به روایات تفسیری، دایره شمول معنای آیه را تا «مرگ و حیات معنوی» نیز گسترش می‌دهد؛ به این معنا که گمراه‌ساختن یا نجات‌دادن فردی از مسیر ضلالت نیز در حکم قتل یا احیای جامعه دانسته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۶).

این تحلیل، زمینه‌ای برای درک ژرف‌تر از حرمت حریم بدنی در منطق قرآنی فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که نگاه قرآن به انسان، نگاهی کل‌گرایانه و برآمده از پیوندهای وجودی در ساحت اجتماعی است.

در سنت نبوی نیز تعرض به حریم دیگران به شدت نکوهیده شده است. روایت شریف «مَنْ أَذَىٰ مُؤْمِنًا فَقَدْ أَدَانِي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۷۲) نشان می‌دهد که آزار یک مؤمن، در حکم آزار رساندن به پیامبر (ص) است؛ امری که جایگاه بلند حفظ حرمت افراد را در نظام اخلاقی اسلام آشکار می‌سازد. این اصل، مبنای شماری از احکام فقهی مانند حرمت افشای عیوب جسمانی، لزوم رعایت حریم بیمار در معاینات پزشکی و ممنوعیت هرگونه توقیف یا بازرسی بدنی غیرقانونی قرار گرفته است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲،

ص ۴۱۲). بررسی‌های حقوقی نیز نشان می‌دهند که توقیف اشخاص، مصداق بارز نقض حق بر حریم خصوصی محسوب می‌شود و تفتیش بدنی جز در شرایط خاص، مستلزم مجوزهای قانونی معین است (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۲، ص ۶۰).

۳-۴. استناها و مصالح اجتماعی

اصل صیانت از حریم بدنی، اگرچه بنیادین است، اما در مواردی که با مصالح مهم‌تر اجتماعی یا ضرورت‌های قطعی شرعی در تعارض قرار گیرد، ممکن است استثنائاتی بر آن وارد شود. آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا» (نور: ۱۹) نشان می‌دهد که رفتارهایی که به اشاعه فساد و فحشا در جامعه منجر می‌شوند، به شدت نکوهش شده‌اند و مقابله با آن‌ها ضرورت دارد. از منظر فقهی و حقوقی، این قبیل موارد از مصادیق تزاخم میان حق فردی و مصلحت عمومی تلقی می‌شود؛ جایی که حفظ مصالح کلان جامعه، به‌ویژه در بُعد اخلاقی و دینی، می‌تواند موجب تقیید حقوقی گردد که در شرایط عادی متعلق به حریم خصوصی دانسته می‌شود. بر اساس تحلیل‌های فقهی و حقوقی، حتی حقوق ناظر به بدن و پوشش نیز در فضای عمومی، به استناد ادله عقلی، نقلی و قانونی، از جمله مواردی به شمار می‌روند که در صورت تزاخم با ارزش‌های عالی‌تر دینی و اجتماعی، قابلیت تحدید دارند (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵).

روایت «مَنْ أذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبَدِّلِهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۶) نیز به‌روشنی اشاعه فحشا را هم‌سنگ ارتکاب اولیه آن دانسته و ضرورت مقابله با آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. این رویکرد، در آثار مفسران معاصر نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که سید قطب، آیه ۱۹ سوره نور را بخشی از نظام تربیتی و سیاست‌پیشگیرانه اسلام می‌داند که هدف آن حفظ سلامت روانی و اخلاقی جامعه از طریق مقابله با گسترش تصورات و اتهامات فاسد در اذهان عمومی است (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۵۰۴).
به این ترتیب، حتی مداخله در حریم بدنی، هنگامی که مستند به مصالح اجتماعی یا ملاحظات قانونی باشد، نیازمند توجیه شرعی معتبر و ملاحظات اخلاقی دقیق است. چنین رویکردی، بیانگر حکمت ژرف و تعادل‌محور شریعت اسلامی در تنظیم روابط فردی و اجتماعی بر پایه کرامت انسان و مسئولیت‌پذیری متقابل است.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل مبانی قرآنی حریم خصوصی بدنی، نتایج این پژوهش به شرح زیر قابل ارائه است:

۱. حریم خصوصی بدنی در قرآن دارای مبانی سه‌گانه است:
در سطح هستی‌شناختی، بدن انسان ملک طلق او نبوده، بلکه امانتی از جانب خداوند است که تصرف در آن باید بر اساس حدود الهی صورت گیرد.
در سطح انسان‌شناختی، بدن ظرف عقل، اراده و ایمان تلقی می‌شود و جدایی‌ناپذیر از کرامت و مسئولیت اخلاقی انسان است.
در سطح ارزش‌شناختی، صیانت از حریم بدنی، هم حق فردی و هم تکلیف دینی-اجتماعی است، که با ارزش‌هایی چون عفت، حیا، عدالت و حرمت ایذاء‌پشتیبانی می‌شود.
۲. حدود حریم خصوصی بدنی در قرآن با ضوابط مشخص دینی تعیین شده است.
احکامی چون لزوم پوشش (نور: ۳۱)، ممنوعیت نگاه ناروا (نور: ۳۰-۳۱)، حرمت افشای زشتی‌ها (نور: ۱۹)، و حرمت ایذاء مؤمنان (احزاب: ۵۸) نشان‌دهنده وجود یک چارچوب مشروع الهی است که محدوده این حریم را مشخص می‌کند.
۳. مصادیق نقض حریم خصوصی بدنی نیز در آیات و تفاسیر قابل استخراج است، مانند:

افشای بدن دیگران بدون رضایت (مصادیق افشای فاحشه در نور: ۱۹)

نگاه آلوده و تعرض به بدن دیگران (نور: ۳۰-۳۱)

آزارهای فیزیکی یا روانی نسبت به بدن مؤمنان (احزاب: ۵۸)

۴. تحدید این حریم تنها در صورت تراحم با مصالح بالاتر اجتماعی و با مستند شرعی معتبر ممکن است. نمونه‌هایی چون مقابله با اشاعه فحشا (نور: ۱۹) یا اجرای حدود الهی با رعایت شرایط آن، از جمله موارد مشروع تحدید این حریم اند، اما هرگونه دخالت بدون ضابطه شرعی، ناموجه تلقی می‌شود.

۵. تمایز مفهومی میان «حدود» و «مصادیق» ضروری است:

«حدود» ناظر به چارچوب‌ها و اصول کلی شرعی-اخلاقی برای حفاظت یا تحدید حریم بدنی است.

«مصادیق» موارد عینی و تطبیقی هستند که نشان‌دهنده رعایت یا نقض این حریم اند. مقاله حاضر کوشیده هر دو را تفکیک کرده و تبیین نماید.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست. مشارکت نویسندگان در مقاله مستخرج از پایان‌نامه:

نویسنده اول: مریم سادات سجادی جزئی

نویسنده دوم و مسئول: استاد راهنمای پایان‌نامه، دکتر امیر احمدنژاد

نویسنده سوم: استاد مشاور پایان‌نامه، مهدی حبیب‌اللهی

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچگونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی:

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچگونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

سپاسگزاری

از آقایان دکتر امیر احمدنژاد و مهدی حبیب‌اللهی به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود. از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم (محمد مهدی فولادوند، مترجم).

ابن عاشور، طاهر. (۱۴۲۰ق). التحریر والتنویر. الدار التونسية للنشر.

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. دار صادر.

اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر. (۲۰۰۵م). کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

امین، نصرت‌بیگم. (بی‌تا). تفسیر المخزن فی تفسیر القرآن. بی‌نا.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. دانشگاه تهران.

جمشیدی، علیرضا؛ حسینی، سیدمحمدامین؛ و فروزنده، پیام. (۱۴۰۱). تحلیل ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، با نگرشی تطبیقی به نظام حقوقی انگلستان. دیدگاه‌های حقوق

قضایی، ۲۷(۹۹)، ۷۷-۱۰.

<https://doi.org/10.22034/jlvi.2023.703731>

جاور، حسین. (۱۳۹۸). مبانی قرآنی حریم خصوصی مکانی. *دوفصلنامه علمی- پژوهشی قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، ۱۰(۱۰)، ۱۰۹-۱۳۷.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۰). تفسیر تسنیم. مرکز نشر اسراء

حسینی همدانی، محمد. (۱۴۰۴). انوار درخشان در تفسیر قرآن. انتشارات لطفی.

خاکی، مینو؛ محقق داماد، سید مصطفی؛ و درگاهی، مهدی. (۱۴۰۲). مبانی قرآنی و قواعد مشروعیت نظارت دستگاه‌های دولتی بر حریم خصوصی. *مطالعات قرآنی*، ۱۴(۵)،

۱۸۹-۲۰۸.

<https://doi.org/10.30495/qsf.2023.1905345.2228>

خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). *تحریر الوسيلة. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)*

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). *إرشاد القلوب إلى الصواب. الشريف الرضي*

ذاکر، فاطمه؛ مسترجمی، سید عیسی؛ و غضنفری، علی. (۱۴۰۳). مبانی حقوق شهروندی در نگره محققان قرآنی معاصر با تاکید بر نظرات آیت الله مصباح یزدی. *قرآن و علوم*

اجتماعی، ۴(۱۵)، ۱۱۸-۱۳۷.

<https://doi.org/10.22034/arq.2024.212246>

راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۰۴ ق.). *المفردات فی غریب القرآن. دارالقلم.*

رانو، ساندر. (۱۳۷۹). اخلاق زیستی در پرتو حقوق بشر (سادات حسینی، مترجم). پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

سجادی، مریم؛ احمدنژاد، امیر؛ و حبیب‌اللهی، مهدی. (۱۴۰۲). تحلیل فرهنگ قرآنی «استیناس» در سوره نور براساس آراء مفسران. *فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن*، ۴(۱)، ۱۰۷-۱۳۰.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2023.371419.1167>

سید قطب، محمد. (۱۴۲۵ ق.). *فی ظلال القرآن. دارالشروق.*

شهباز قهفرخی، محمد. (۱۳۹۲). بررسی حریم خصوصی در حقوق کیفری ایران. *میزان.*

شهریاری، محمد. (۱۳۹۹). بدن، خود و سیاست: بررسی مفهوم بدن در فقه اسلامی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

صدر، محمدباقر. (۱۳۷۹). *الإسلام يقود الحياة - المدرسة الإسلامية - رسالتنا. مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر*

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). *الخصال. جامعه مدرسين.*

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن. جامعه مدرسین.*

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن. مكتبة الاحیاء العربی.*

عباسی، محمود؛ خالقی، ابوالفتح؛ و جودکی، بهزاد. (۱۳۹۰). حریم خصوصی بیماران و حمایت کیفری از آن در نظام حقوقی ایران. *مجله حقوق پزشکی*، ۵(۱۷)، ۱۴۰-۱۳۱.

عمید، حسن. (۱۳۶۲). *فرهنگ عمید. انتشارات امیرکبیر.*

غلامی، علی. (۱۳۹۲). *حجاب در کشاکش حریم خصوصی و حقوق عمومی. مطالعات حقوقی دولت اسلامی*، ۲(۴)، ۱۱۷-۱۳۳.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق.). *التفسیر الکبیر. دار احیاء التراث العربی.*

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق.). *العین. دارالهجرة.*

کلینی، محمد یعقوب. (۱۴۰۷ ق.). *الکافی. دارالکتب الإسلامية.*

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). *بحار الأنوار. مؤسسة الوفاء.*

محمدخانی، حسین. (۱۴۰۳). تحلیل فقهی حق بر بدن و تحديد آن در فقه شیعه. *مطالعات فقه و حقوق اسلامی معاصر*، ۶(۱)، ۱۲۰-۱۴۳.

مرادی، روح‌الله. (۱۳۹۷). *حریم خصوصی در فقه و حقوق. سخنوران.*

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). *حقوق و سیاست در قرآن. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.*

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). *نظریه حقوقی اسلام. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.*

معین، محمد. (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی. امیرکبیر.*

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). *تفسیر نمونه. دارالکتب الإسلامية.*

نبنی‌لو، عزیزالله. (۱۴۰۳). آینده مسأله حجاب در ایران با تجزیه و تحلیل روندها و پیشران‌ها. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۱۶(۵۸)، ۱۲۳-۱۴۴.

نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ ق.). *مستدرک الوسائل. مؤسسه آل‌البیت.*

Crook, J., Sautter, T., & van Wart, M. (2002). Personal Integrity and Public Accountability. *Public Administration Review*, 62(1), 74–82.

Gavison, Ruth. (1980). Privacy and the Limits of Law. *Yale Law Journal*, 89(3), 421–471.

- Lederer, Susan E., et al. (2004). What Is Privacy in Health Care? *The Journal of Law, Medicine & Ethics*, 32(3), 442–449.
- Moorhem, Nicolas. (2014). Beyond Information: Physical Privacy in English Law. *The Cambridge Law Journal*, 73(2), 350–377.
- Oxford Dictionary of Philosophy. (1997). Oxford: Oxford University Press.
- Rao, Radhika. (2000) “Privacy is a Misnomer.” *Boston University Law Review*, vol. 80, 975–1004.
- Westin, Alan. (1967). *Privacy and Freedom*. Atheneum.

مقالات آماده انتشار